

برخی بانک‌ها هزینه خدمات پیامکی تراکنش‌های بانکی را حدود ۱۰ برابر افزایش داده‌اند

جنجال پیامک‌های ۹۰ تومانی



شرق: بعضی بانک‌های ایران دیروز برای مشتریان خود پیامک‌هایی ارسال کرده و خبر دادند که از این پس هزینه ارسال هر پیامک واریز و برداشت ۹۰ تومان بوده و هر شش ماه یک بار از حساب افراد کسر می‌شود. این موضوع در حالی رخ می‌دهد که اپراتورهای تلفن همراه به «شرق» توضیح می‌دهند که هزینه واقعی ارسال پیامک فارسی حداقل حدود ۹ تومان است و در واقع بانک‌ها به دنبال آن هستند که حدود ۱۰ برابر قیمت واقعی از ارسال هر پیامک سود ببرند.بانک‌ها اما معتقد هستند که دریافت آبونمان سالانه ۳۰ هزار تومانی از مشتریان به‌صرفه نیست و مشتریانی هستند که تراکنش زیادی در ماه دارند. از آن سو بانک مرکزی در واکنش به این اخبار اعلام کرده که تعرفه پیامکی بانک‌ها افزایش نداشته است و آنها موظف هستند از بخش‌نامه مصوبه آذر ۹۹ در این زمینه پیروی کنند. با تمام این اوصاف بسیاری از مشتریان می‌گویند که نمی‌دانند بانک بانک مرکزی چقدر روی این مسئله سختگیری می‌کند؟ آنها به تراکنش‌های متعدد روزانه اشاره می‌کنند و نگران هستند که به این ترتیب قبض بلندبالایی روی دستشان بماند.



۱۰ برابر شدن هزینه خدمات پیامکی بانک‌ها!

«مشتري گرامي! از ابتداي سال ۱۴۰۱ با توجه به بخش‌نامه بانک مرکزی و با تعرفه جديد اپراتورهای تلفن همراه، کارمزد پیامک واریز و برداشت همه حساب‌های بانکی شما نزد این بانک محاسبه و هر ۶ ماه یک بار به ازای هر پیامک ۹۰۰ ریال اخذ خواهد شد.» این متن پیامکی است که برخی بانک‌ها دیروز برای مشتریان خود ارسال کرده‌اند و از افزایش قابل ملاحظه هزینه ارسال پیامک‌های بانکی خبر می‌دهند.پیش از این بانک‌ها آبونمان سالانه‌ای که حداقل ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان بود از مشتریان دریافت می‌کردند تا تراکنش‌های بانکی را از طریق پیامک به اطلاع آنها برسانند اما حالا بانک‌ها روش جدیدی برای محاسبه هزینه ارسال پیامک‌های بانکی اعمال کرده‌اند.

محاسبات نشان می‌دهد در صورتی‌که یک مشتری بانک در سال به‌طور

مأموریت دشوار رئیسی در نیویورک

ادامه از صفحه اول

کسانی که با ادبیات بین‌المللی آشنایی دارند، بر این نکته آگاه‌اند

که فارغ از میزان تأثیر ایده‌ها، طرح آن می‌تواند در ارتقای جایگاه کشورها در مجامع بین‌المللی تأثیرگذار باشد. در کنار موارد فوق، مسئله «آمریکا» و نحوه تعامل با این کشور، در چهار دهه گذشته از اصلی‌ترین موضوعات سیاست خارجی کشور بوده و هست؛ موضوعی که در زمان حضور رؤسای جمهور ایران در نشست مجمع عمومی به نحو برجسته‌ای در رأس اخبار قرار گرفته و به گمانه‌زنی‌هایی دامن می‌زند. روشن است که نحوه تعامل با آمریکا برعهده رؤسای جمهور نیست، باوجوداین نقش رؤسای جمهور در تلطیف ادبیات این مهم و استفاده از فرصت حضور در سازمان ملل، همواره تأثیرگذار بوده است. رئیس دولت اصلاحات رویکرد «ایجاد شکاف در دیوار بلند بی‌اعتمادی» را محور اصلی

سیاست خارجی خود در رابطه با آمریکا اعلام کرده بود. همین امر باعث شد در سال ۲۰۰۰ و برنامه هزاره مجمع عمومی، بیل کلینتون رئیس‌جمهوری آمریکا که به‌طور معمول پس از ایراد سخنرانی‌هایش در سازمان ملل به فوریت این سازمان را ترک می‌کرد، تا پایان سخنرانی آقای خاتمی در سالن مجمع عمومی حضور داشته و به دقت به سخنان رئیس‌جمهوری اسلامی ایران در اجلاس هزاره مجمع عمومی سازمان ملل گوش فرا دهد. در اولین حضور حسن روحانی نیز باراک اوباما تلاش کرد تا با همتای ایرانی خود دیدار کند که به دلیل امتناع روحانی امکان‌پذیر نشد و نهایتاً منجر به گفت‌وگویی تلفنی بین آنها شد. احمدی‌نژاد با وجود ادبیات تهاجمی، اشتیاق فراوانی برای تماس با آمریکا داشت. ماجرای نامه‌ای او به رئیس‌جمهور آمریکا و تلاش برای برقراری تماس در سطوح مختلف از بدعت‌های او در رابطه با

آمریکا بود که با در بسته‌طرف مقابل از یک سو و مخالفت‌های داخل از سوی دیگر به جایی نرسید. درحالی‌که انتظار می‌رفت با یکدست‌شدن ارکان حکومت و حضور رئیسی در رأس قوه مجریه، حساسیت‌ها درباره تماس‌های مستقیم بین ایران و آمریکا تقلیل یابد، رئیس‌جمهور در اقدامی غیرمعمول و خارج از عرف قبل از سفر به نیویورک بر هرگونه گمانه‌زنی درباره احتمال ملاقات خود با باین خط بطلان کشید و آن را منتفی اعلام کرد. او در گفت‌وگو با خبرنگار CBS آمریکا گفت: فکر نمی‌کنم دیدار با بایدن فایده‌ای داشته باشد. دولت آمریکا مدعی است که با دولت ترامپ متفاوت است؛ اما ما هیچ تغییری ندیده‌ایم. فارغ از نادیده‌گرفتن تفاوت‌های بایدن با ترامپ و تغییرات انکارناپذیر سیاست خارجی آمریکا درباره مذاکرات هسته‌ای، این سؤال را می‌توان مطرح کرد که چه اصراری بر رد قاطع موضوعی بود که می‌توانست سوژه‌ای برای مطرح‌شدن نام کشور در خلال حضور رئیس‌جمهور در نیویورک، تلاش‌های بین‌المللی برای انجام و نهایتاً عدم اجابت درخواست احتمالی ملاقات در صورت لزوم، با ابتکار تأثیرگذار دیپلماتیک فراهم شود. برخلاف تحلیل‌های رایج

اپراتورهای موبایل: بانک‌ها دنبال سودجویی هستند

پیگیری «شرق» از اپراتورهای بانکی حاکی از آن است که تغییر قیمت پیامک‌های بانکی از سوی اپراتورها نبوده است. آنها توضیح می‌دهند که نه تنها نرخ ارسال پیامک تغییر نکرده که بانک‌ها خدمات پیامکی را با قیمت بسیار نازلی گرفته و گویا قصد دارند این خدمات را با سود چشمگیر به مشتریان خود ارائه دهند.

به گفته اپراتورها حداقل قیمت خدمات پیامکی خود ۹ تومان است و دریافت ۹۰ تومان به ازای ارسال پیامک تراکنش‌های بانکی در واقع سود حدود ۱۰ برابری است که بانک‌ها برای خود از ارسال پیامک در نظر گرفته‌اند.

شرکت ایرانسل هزینه ارسال پیامک به زبان فارسی به سیم‌کارت‌های دائمی را ۱۱.۹ تومان، به سیم‌کارت‌های اعتباری ۱۳.۳ تومان، به سیم‌کارت پیام‌رسان‌های دائمی را ۱۴ تومان و سیم‌کارت پیام‌رسان‌های اعتباری را ۱۳.۹ تومان اعلام کرده است.

شرکت همراه اول هم هزینه ارسال پیامک به زبان فارسی به سیم‌کارت‌های دائمی را ۸.۹ و سیم‌کارت‌های اعتباری را ۱۰.۶ریال اعلام کرده است. از سوی دیگر قانون بودجه ۱۴۰۱ اپراتورهای تلفن همراه را ملزم کرده تا علاوه‌بر قیمت هر پیامک، مبلغ ۳۰ ریال از استفاده‌کنندگان دریافت و به‌شانه واریز کند تا صرف حمایت از حقوق معلولان و ساماندهی کودکان کار و خیابانی و همچنین شبکه ملی اطلاعات شود.

با این حال بانک‌ها زیر بار سودجویی از ارسال پیامک تراکنش بانکی نمی‌روند و می‌گویند که مدل دریافت آبونمان سالانه به زبان آنهاست.

در سال ۹۹ وقتی بخش‌نامه بانک مرکزی درباره هزینه آبونمان سالانه به بانک‌ها ابلاغ شد، نخست این بانک‌های خصوصی بودند که به توافق رسیدند که از هر مشتری و البته با اطلاع و رضایت او سالانه مبلغ ۲۰ هزار تومان کارمزد پیامک اطلاع‌رسانی واریز و برداشت وجه دریافت شود که بانک‌های دولتی موافق نبودند اما بعداً آنها هم همراه شدند.

آذرماه سال گذشته بود که محمدرضا جمشیدی، دبیر کانون بانک‌های خصوصی از افزایش هزینه سرویس پیامکی بانک‌ها به ۲۰ هزار تومان خبر داد و اعلام کرد هزینه سرویس پیامکی بانک‌های خصوصی برای شرکت‌ها سالانه ۱۰۰ هزار تومان تعیین شده است.

همان زمان یکی از اختلاف‌نظرهای جدی بین بانکداران این بود که آیا دریافت یک مبلغ ثابت از هر مشتری بابت پیامک عادلانه است یا نه؟ چراکه ممکن است یک مشتری عادی در نهایت در سال تعداد معدودی پیامک دریافت کند اما یک مشتری دیگر روزانه به اندازه پیامک یک مشتری عادی، پیامک واریز یا برداشت دریافت کند که به‌نظر این شیوه عادلانه نیست؟ البته بخش‌نامه سال ۹۹ بانک مرکزی تأکید دارد که بانک‌ها می‌توانند به‌منظور رقابت با یکدیگر حداکثر تا ۳۰ درصد و برای افراد تحت پوشش سازمان بهزیستی، مستمری‌بگیران و مددجویان کم‌تبه امداد تا صددرصد تخفیف درنظر بگیرند و به هر حال دریافت هرگونه وجه تحت عنوان کارمزد خدمات بانکی خارج از چارچوب بخش‌نامه بانک مرکزی بدون اجازه این بانک ممنوع است.

بانک مرکزی: قیمت خدمات پیامکی تغییر نداشته است

حالا اما بانک‌ها می‌گویند که دریافت آبونمان سالانه برای آنها صرفه اقتصادی ندارد و به دنبال تغییر این مدل هستند. مدلی که بر اساس آن به جای دریافت آبونمان سالانه، بانک‌ها به ازای ارسال هر پیامک ۹۰ تومان دریافت می‌کنند.

هرچند که مصطفی قمری‌وفا، سخنگوی بانک مرکزی نسبت به این خبر واکنش نشان داده و در صفحه توئیتر خود نوشته است که بانک مرکزی بخش‌نامه‌ای به بانک‌ها مبنی بر افزایش هزینه ارسال پیامک به مشتریان نداشته است.

او همچنین تأکید کرده است: پیرو انتشار برخی گزارش‌ها درخصوص بخش‌نامه بانک مرکزی به بانک‌ها مبنی بر افزایش هزینه ارسال پیامک به مشتریان، به اطلاع می‌رساند بانک مرکزی هیچ‌گونه بخش‌نامه‌ای در این خصوص نداشته است. لازم به ذکر است آخرین بخش‌نامه بانک مرکزی در این خصوص، آذر ۱۳۹۹ صادر شده و همچنان معتبر و لازم‌الاجراست.

در طیف اصولگرایان در موضوع توافق هسته‌ای مشروط‌کردن آن با بسته‌شدن پرونده پادمانی ایران در آژانس، توپ در زمین ایران قرار گرفته و مذاکرات را با نبیست‌مواجه کرده است. در شرایطی که این سفر می‌توانست فرصت کم‌هزینه‌ای برای عبور از مشکل احیای توافق هسته‌ای از طریق گفت‌وگوی بی‌واسطه بین ایران و آمریکا باشد، دلیل پافشاری و نفی ملاقات احتمالا ناشی از نبود مشاوره‌های خوب از سوی مشاوران آقای رئیسی است. اگرچه به مصداق مثل معروف دروغ نباید گفت؛ ولی الزامی به راست‌گویی در هر شرایطی هم وجود ندارد. ضمن اینکه رئیسی خود بر این نکته واقف است که برون‌رفت از شرایط غیرقابل قبول اقتصادی دولتش در گرو توافق هسته‌ای است که مشکلات آن باید با کنارگذاشتن واسطه‌ها، در گفت‌وگوهای رودررو بین ایران و آمریکا حل‌وفصل شود؛ موضوعی که تناقضی با پیوستن ایران به سازمان همکاری‌های شانگهای و حضور احتمالی ایران در پیمان قدرت‌های نوپوزر (بریکس) نداشته و اتفاقاً می‌تواند موجب نقش‌آفرینی فعال و قدرتمندانه کشورمان در این سازمان‌ها را فراهم کند.

کاهش شدت تورم ماندگار نیست

پس از شوک تورمی، تقاضا برای خرید کالاها به شدت کاهش یافت و در بازه زمانی شاهد آن بودیم که قیمت فروش برخی از کالاها به کمتر از قیمت نهایی تمام‌شده رسید اما اتفاقی که افتاده این است که برخی از تولیدکنندگان و فروشندگان از این بازار کناره‌گیری کردند و عرضه محدود شد و در نتیجه عرضه به کمتر از تقاضا رسید و باز هم قیمت‌ها افزایش پیدا کردند.علی حیدری در گفت‌وگو با ایلنا درباره گزارش اخیر بانک جهانی از سه‌برابر شدن فقر مطلق در ایران و اینکه آیا این آمار نهادهای بین‌المللی قابل استناد هستند، اظهار داشت: عموماً تحلیل‌های سازمان‌های بین‌المللی براساس اطلاعات و داده‌هایی است که نهادهای معتبر داخلی ایران منتشر می‌کنند. به عبارت دیگر گزارشی که بانک جهانی از رشد فقر مطلق در ایران منتشر کرده حاصل اطلاعات و آمارهایی است که توسط مرجع رسمی کشورمان مانند مرکز آمار به انتشار رسیده است. وی ادامه داد: اساساً نهادهای بین‌المللی از خود داده یا آماری را منتشر نمی‌کنند بلکه اطلاعات منتشرشده از سوی مرجع رسمی در یک کشور را مورد تحلیل قرار می‌دهند و نتایج تحلیل‌های خود را منتشر می‌کنند. البته این تحلیل و نتایج آن براساس داده‌های گذشته بوده و معمولاً درباره این دست از موضوعات، پیش‌بینی از آینده ارائه نمی‌شود. این کارشناس اقتصادی گفت: البته انتشار و ارائه برخی از این آمار و داده‌ها از سوی مرجع رسمی در ایران به نهادهای بین‌المللی الزام‌آور است و در برخی از موارد هم این گزارش‌های منتشرشده از نهادهای بین‌المللی حاصل دسترسی عمومی به آمارهای منتشره بوده است. حیدری در بیان اینکه از فقر مطلق یک تعریف مشخص و استاندارد در نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های جهانی وجود دارد و سه‌برابر شدن فقر مطلق در یک بازه زمانی مشخص در ایران موضوع عجیبی نیست و کاملاً منطقی است. افزود: روند رشد فقر مطلق در ایران طبیعی است چراکه عموماً در کشوری که در یک روند فزاینده تورمی نودمندت قرار گرفته، توزیع درآمد و ثروت معکوس عمل می‌کند یعنی عدالت درباره ثروت و درآمد برقرار نیست و این جریان حاصل از تورم است.این کارشناس اقتصادی با اشاره به اعلام کاهشی‌شدن روند نرخ تورم از سوی وزارت اقتصاد و بانک مرکزی تأکید کرد: اعا شده که شدت تورم کاهش پیدا کرده است یعنی اگر امروز نرخ تورم ۴۰ درصد است، سال گذشته نرخ تورم ۶۰ درصد بود یعنی اگر به قیمت یک کالایی در سال گذشته ۶۰ درصد اضافه شده بود امروز به آن قیمت با احتساب افزایش ۶۰ درصدی، ۴۰ درصد اضافه شده است. باید توجه داشت که این موضوع به معنای کاهش قیمت‌ها نیست چراکه کاهش قیمت یعنی تورم منفی که تاکنون در هیچ کالایی شاهد تورم منفی نبوده‌ایم. وی با تأکید بر اینکه عامل مؤثر در کاهش شدت تورم، کاهش تقاضا بوده است، ادامه داد: پس از شوک تورمی، تقاضا برای خرید کالاها به شدت کاهش یافت و در بازه زمانی شاهد آن بودیم که قیمت فروش برخی از کالاها به کمتر از قیمت نهایی تمام‌شده رسید اما اتفاقی که افتاده این است که برخی از تولیدکنندگان و فروشندگان از این بازار کناره‌گیری کردند و عرضه محدود شد و در نتیجه عرضه به کمتر از تقاضا رسید و باز هم قیمت‌ها افزایش پیدا کردند.

یادداشت

یک مرگ و یک پیمان!



حسین حفقو

کارشناس اقتصادی

۱- عضویت ایران در پیمان شانگهای به‌عنوان خبری مهم، زیر آوار مرگ سخت دردناک و اسفبار مهسا امینی کم شد؛ کم‌شدنی که البته بی‌وجه و دلیل نیست. جهان امروز برخلاف جهان گذشته، گذشته‌ای نه چندان دور و در فاصله همین یکی دو دهه اخیر، جهانی نیست که بتوان به توسعه و پیشرفت رسید و مردمی ناراضی و ناامید به آینده داشت و چنین وقایع دردناکی را امری حاشیه‌ای پنداشت. دولت‌ها در جهان جدید می‌بایست حدی معقول و منطقی از رضایت اجتماعی را داشته باشند تا بتوانند اهداف و سیاست‌های خود را پیاده کنند و با اجرای این سیاست‌ها، واجد درجه‌ای از کارآمدی شوند تا به پشتوانه سرمایه اجتماعی حاصله، در رقابت سخت و نفس‌گیر جهانی از رقیب‌ا عقب نیفتند. در جهان امروز بیش از هر زمان دیگری نهادهای سیاسی و اقتصادی در ربط عمیق با یکدیگرند و به قول عجم اوغلو و رابینسون «این فرایندی سیاسی است که نهادهای اقتصادی را مشخص می‌کند و... تعیین می‌کنند مردم تحت لوای کدامین نهادهای اقتصادی زندگی کنند و چگونگی کارکردن این فرایند را رقم می‌زنند» (چرا کشورها شکست می‌خورند).

۲- پیمان شانگهای عمده‌ت یک پیمان سیاسی و امنیتی است که البته دارای وجهه اقتصادی و فرهنگی نیز هست. عضویت کشورمان در این پیمان از دو جنبه قابل توجه و تأمل است. وجه سیاسی و وجه اقتصادی. در وجه سیاسی این پیمان چیزی برای عرضه ندارد و نمی‌تواند سبب ارتقای نهادهای سیاسی کشورمان به سوی فراگیرترشدن و بسط و گسترش نهادهای مدنی به‌عنوان زیربنای توسعه‌پایدار شود، چراکه دو عضو اصلی این پیمان (چین و روسیه) و اعضای دیگر (هند، پاکستان، تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، افغانستان، بلاروس و مغولستان)، به جز یک عضو (هند) دارای ساختارهای سیاسی متمرکز و به قول نویسندگان کتاب «چرا کشورها شکست می‌خورند» نظام‌های با نهادهای بهره‌کش و غیرفراگیرند. این دو اقتصاددان درباره روسیه امروز و چین اعتقاد دارند که هرچند نهادهای اقتصادی چین فراگیرتر از نهادهای روسیه است، اما نهادهای سیاسی آنها مشابه هم هستند و همچنان بهره‌کش و تحت سلطه یک قدرت مرکزی‌اند و مردم آزادی سیاسی ناچیز و نقش بسیار محدودی در فرایند سیاسی کشورشان دارند بنابراین رشد اقتصادی در این کشورها «رشد اقتصادی اقتدارگرایان» تحت لوای نهادهای سیاسی بهره‌کش است، اگرچه شاید برای مدتی دیگر تداوم یابد اما نمی‌تواند رشدی پایدار باشد که تحت لوای نهادهای فراگیر رخ می‌دهد» (چرا کشورها شکست می‌خورند). اما از بعد اقتصادی عضویت در پیمان شانگهای می‌تواند ثمراتی برای کشورمان در بر داشته باشد. از جمله تأثیرات سبب پذیرش مناسبات جهانی و تنش‌زدایی از روابط خارجی و تغییر نگرش به منطق همکاری‌های اقتصادی شود و اینکه این نوع همکاری‌ها، میدان برد-برد است و نمی‌توان قوانین و مقرراتی را به تصویب رساند که ورود کالاهای مشابه داخلی را ممنوع کرد و هر روز بر فهرست ممنوعیت‌های وارداتی افزود و یا به ناهه و به بهانه نیاز بازار داخلی، مانع صادرات کالاهای فروخته و یا تعهد داده‌شده گردید. همچنین حضور در پیمان‌های منطقه‌ای و جهانی علاوه بر تغییر نگرش می‌تواند سبب تحول در مؤلفه‌های اقتصادی کشورمان شود. مواردی مانند یکسان‌سازی نرخ ارز، اصلاح فرایندها (قوانین و مقررات، شبکه بانکی و بیمه‌ای و...) و سازوکار کم‌رکی، سازماندهی مجدد نهادهای توسعه‌های کشور در خدمت صادرات (بانک توسعه صادرات، صندوق ضمانت صادرات و صندوق توسعه ملی و...)، بهبود فضای فیزیکی (ازجمله شبکه حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای، بنادر، فرودگاه‌ها و...)، شبکه تأمین کالا و... در مجموع آنکه عضویت در پیمان شانگهای اگر در سطوح فرهنگی و اقتصادی تعریف شود و حرکتی در جهت پیوستن به سایر پیمان‌های اقتصادی و در رأس همه آنها سازمان تجارت جهانی باشد، امری بسیار نیکو و پسندیده است، اما اگر در چارچوب تصلب در یک بلوک و نگرش سیاسی و اقتصادی و تأمین منافع گروه محدود و تحکیم انحصارات و... معنا شود، امری نامطلوب و در تضاد با منفعت و خیر عمومی و اهداف توسعه‌ای کشور است.

امید که عضویت در این پیمان فرصتی برای بسط قدرت نهادهای اقتصادی به سمت فراگیرترشدن و یکی از حلقه‌های زنجیره بهره‌گیری از فرصت‌های عظیم ایجادشده در خلال رقابت قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و حضور

در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و جهانی باشد. کاری که اقتصادمان نوظهور مانند هند، برزیل، آرژانتین، اندونزی و...

در میانه دعواهای چین و روسیه و آمریکا می‌کنند، حضور در پیمان‌های منطقه‌ای و همکاری با همه قدرت‌های بین‌المللی متناسب با نیازها، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های کشورشان است. این اما چنانکه آمد مستلزم تحولات در حوزه سیاسی و فراگیرتر شدن نهادهای سیاسی است. چنانکه عجم اوغلو و رابینسون با اشاره به بهروروی اندک اقتصادی در دوران استالین در روسیه ناشی از سرکوب‌ها و تبعیض‌ها و... می‌نویسند: «در فاصله ۱۹۴۵ و ۱۹۵۵، ۲۶ میلیون نفر، حدود یک سوم جمعیت بالغ به زندان فرستاده شدند و ۲۵ هزار نفر تیرباران شدند. هر سال، یک میلیون نفر به اتهام تخلفات اداری در زندان بودند و ۲.۵ میلیون نفر به گولاک‌های سبیری تبعید شدند، اما اثری نداشت. گرچه می‌شود بعضی را به یک کارخانه فرستاد، اما نمی‌توان مردم را با تهدید به مرگ وادار به خلق ایده‌های خوب کرد» (چرا کشورها شکست می‌خورند). به تعبیر این دو اقتصاددان تنها نهادهای سیاسی متکثر برآمده از حق آزادی بیان و عقیده و رسانه‌های آزاد و نهادهای مدنی قدرتمند، می‌توانند بازی‌ای را شکل دهند که «نه‌تنها مانع بسیاری از انحرافات در نهادهای فراگیر اقتصادی می‌شوند، بلکه در برابر عواملی که تداوم آنها را به خطر می‌اندازد نیز مقاومت می‌کنند» (همان). به‌نظر می‌رسد هر پیمان اقتصادی برای موفقیت در درجه اول نیازمند پیمان با مردم و جلب رضایت و حمایت آنان است!

شرکت برق منطقه ای فارس